

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

داکتر عباس آزادیان



خسونت

قسمت هفدهم

تأثیرات روحی و روانی خسونت در خانواده

اکنون چراغی کوچک، روشن کن

...

شاید شبی، زنی

در پرتو چراغ تو، تصویر خویش را

روشنتر از همیشه ببیند

پس از غبار – میمنت میر صادقی (آزاده)

تا این قسمت نوشته به بررسی عوارض روحی و روانی خسونت، بیماریهای جسمی – فیزیکی ناشی از خسونت و تغییرات عملکرد مغز در زنان خسونت دیده اشاره کرده ام. تأثیر خسوت را در قبل و بعد از حاملگی نشان داده ام و تأکید کرده ام که تأثیر خسونت دراز مدت است. در این قسمت به بررسی تغییرات هورمونی و ساختاری در مغز و دستگاه غدد داخلی افرادی که مورد خسونت قرار گرفته اند میپردازم.

در طی زمان و در طول دوره تکامل سیستم دفاعی در موجودات زنده و به خصوص در انسان به نوعی رشد پیدا کرده است که بدن در مقابل تنشها و سترسهای محیطی مقاومت کند. مکانیزم فرار یا مقابله با خطر^۱ چنین سیستمی است. وقتی انسان در محیطی تنش زا قرار میگیرد این سیستم به سرعت به کار افتاده و فرد را آماده واکنش مناسب میکند. مشکل موجود در این سیستم این است که برای مقابله با تنشهای کوتاه مدت ساخته شده است. کسانی که در محیط خشونت زندگی میکنند عموماً در فضای تنش مداوم و طولانی بر سر میبرند که حاصل آن اختلالات گوناگون این سیستم دفاعی میباشد که خود عوارض متعددی در بر دارد. اجازه بدهید به این عوارض توجه کنیم.

تغییرات هورمونی:

در مطالعه ای به مقایسه میزان کورتیزول زنانی که مورد خشونت قرار گرفته بودند با میزان کورتیزول زنانی که خشونت ندیده بودند پرداخته شد.^۲ زنانی که مورد خشونت قرار گرفته بودند از میزان بالاتر کورتیزول^۳ در صبحها و میزان بالاتر ماده وابسته به کورتیزول^۴ در غروبها برخوردار بودند. این مطالعه بیانگر تأثیر خشونت خانوادگی بر سیستم غدد داخلی زنان میباشد.

در همین چهارچوب مطالعه ای دیگر صورت گرفت که به بررسی مقدار کورتیزول و یکی از چربیهای خون^۵ در زنان خشونت دیده پرداخت. این محققان نشان دادند که زنانی که مورد آزار قرار گرفته بودند بسیار بیشتر دچار اختلال در میزان کورتیزول خود بودند.^۶

در تحقیقی دیگر میزان کورتیزول به شکل دقیقتری مورد مطالعه قرار گرفت.^۷ میدانیم که کورتیزول عامل فعالیت سر غده هیپوتالاموس، هیپوفیز و بالآخره غده فوق کلیوی^۸ میباشد. در این مطالعه میزان کورتیزول در ساعتهای مختلف روز مورد بررسی قرار گرفت. محققان در ضمن به بررسی میزان اپی نفرین^۹ و نور اپی نفرین^{۱۰} که عامل فعالیت سیستم اتوماتیک - سمپاتیک و غده فوق کلیوی^{۱۱} است پرداختند. در این بررسی نشان داده شد که زنانی که خشونت خانوادگی را تجربه کرده اند و به بیماری اضطراب بعد از سانحه دچار شده اند در ساعتهای مختلف روز از میزان بالای کورتیزول در سرم خون رنج میبرند. مقدار دو ماده شیمیایی دیگر (اپی نفرین و نور اپی نفرین) در این بیماران افزایش نشان نمیداد. زنان خشونت دیده ای که دچار بیماری "اضطراب بعد از سانحه" نبودند از میزان بالای کورتیزول رنج نمیدادند.

در مطالعه ای در دانشگاه استلن بوش^{۱۲} در شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی به بررسی تغییرات ساختاری و شیمیایی مغز زنانی که خشونت خانوادگی را تجربه کرده و در نتیجه دچار بیماری "اضطراب بعد از سانحه" شدند پرداخته

¹ Fight- or - flight

² Pico-Alfonso MA, et al. Changes in cortisol and dehydroexndx osterone in women victims of physical and psychological intimate partner violence. Biol Psychiatry. 2004 Aug 15; 56(4): 233-40

³ Cortisol

⁴ DHEA

⁵ Neuropeptide Y

⁶ Seedat S, et al. Plasma cortisol and neuropeptide Y in female victims of intimate partner violence. Psychoneuroendocrinology. 2003 Aug;28(6): 796-808

⁷ InSlicht SS, et al. Increased cortisol in women with intimate partner violence-related posttraumatic stress disorder. Psychoneuroendocrinology 2006 Aug; 31(7):825-38

⁸ Hypothalamus-Pituitary-Adrenal

⁹ Epinephrine

¹⁰ Norepinephrine

¹¹ Sympathetic-Adrenal

¹² Stellenbosch

شد.^{۱۳} محققان نشان دادند که تعادل شیمیائی بعضی نقاط مغز^{۱۴} زنانی که دچار این بیماری شده اند به هم خورده است. این محققان همینطور نشان دادند که سلولهای عصبی در مغز این زنان نیز دچار تغییر میشود. این مطالعه نشان دهنده حساسیت مغز انسان به تأثیرات محیطی میباشد. در محیط مثبت و گرم مغز توان خود را بیشتر نشان میدهد و در محیطی سمی مغز انعطاف و سرزندگی خود را از دست میدهد.

آیا این تغییرات شیمیائی در بیماریهای دیگر هم نقش دارد؟ بعضی از محققان سعی کرده اند به این سؤال پاسخ بدهند. برای مثال میدانیم که زنان به دلایل زیادی میتوانند از دردهای شکمی رنج ببرند. اما مطالعات نشان میدهد که هنگام بررسی این دردها در بعضی از زنان هیچ عامل خاص جسمی نمیتوان یافت. مطالعات در ضمن نشان میدهد که درصد تجربه خشونت جسمی و جنسی در زنان که این دردهای شکمی را تجربه میکنند بالاتر از سایر زنان است. در مطالعه ای به بررسی میزان کورتیزول زنانی که از اینگونه دردهای شکمی رنج میبردند پرداخته شد. میزان بیماری اضطراب بعد از سانحه در بین زنانی که از ناراحتیهای شکمی رنج میبردند بالا بود. در ضمن میزان کورتیزول و سایر واکنشهای شیمیائی غده فوق کلیوی در این زنان حالت غیر طبیعی داشت. این مطالعه نشان میدهد که این تغییرات هورمونی تأثیرات متعدد و همه جانبه دارند و افرادی را که دچار این ناهنجاریها میشوند در معرض بیماریهای مختلف و از جمله در معرض دردهای مزمن و حتی سرطان قرار میدهد.

تغییرات ساختاری:

عوارض ناگوار خشونت بر مغز تنها محدود به تغییرات شیمیائی و هورمونی نمیشود بلکه چنین تغییراتی شامل نا هنجاریهای ساختاری و ساختمانی مغز هم میشود.

مطالعات متعددی به بررسی تغییرات ساختاری مغز در نتیجه سوانح مختلف توأم با خشونت پرداخته است. این مطالعات به بررسی ساختار مغز در میان کسانی که بعد از سوانح و ضربه ها دچار بیماری "اضطراب بعد از سانحه" شده بودند، میپردازد. من در مورد عوارض این بیماری قبلاً صحبت کرده ام و مطرح کرده ام که این بیماری یکی از شایعترین عوارض روحی و روانی خشونت در خانواده میباشد.

در مطالعه ای در سال ۱۹۹۷^{۱۵} محققان در بررسی تغییرات مغزی ۴۲ بیماری که دچار اضطراب بعد از سانحه شده بودند، پرداختند. محققان متوجه شدند که حدود ۲۵ درصد این بیماران دچار تحلیل غشاء خارجی مغزی^{۱۶} و یا تغییرات دیگری در ساختار مغز شده بودند.

مطالعاتی که در میان حیوانات صورت گرفته است نشان میدهد سترس باعث از دست رفتن سلول در هیپوکمپس^{۱۷} میشود. علت آسیب به این قسمت حساس مغز اضافه شدن کورتیزول در خون و در نتیجه مسمومیت مغز میباشد. همان گونه که قبلاً اشاره شد کورتیزول نقشی سمی بازی کرده و باعث از بین بردن سلولهای این قسمت مغز میشود.

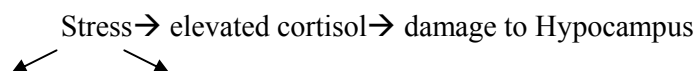
¹³ Seedat S, et al. Single voxel proton magnetic resonance spectroscopy in women with and without partner violence-related post traumatic stress disorder. Psychiatry res. 2005 Aug 30;139(3):249-58

¹⁴ Anterior cingulate

¹⁵ Canive J, et al. MRI reveals gross structural abnormalities in PTSD. Annals of the New York Academy of Sciences, Vol 821, P512-515, 1997.

¹⁶ Cortical atrophy

¹⁷ Hypocampus



Emotional problem

Memory loss

در مطالعه ای که برای بررسی تنز فوق انجام شد.^{۱۸} ۲۶ نفر از سربازان آمریکا در ویتنام که دچار بیماری اضطراب بعد از سانحه شده بودند با آدمهای سالم مقایسه شدند. این مطالعه نشان داد که هیپوکمپس در سمت راست مغز این بیماران ۸ درصد و در سمت چپ ۳/۸ درصد کوچکتر از آدمهای سالم بود. در ضمن متوجه شدند که کسانی که دچار بیماری اضطراب بعد از سانحه بودند از مشکل حافظه کلامی^{۱۹} هم رنج میبرند. مطالعات دیگری هم این یافته ها را تأیید میکند. مثلاً در مطالعه ای در بررسی حجم هیپوکمپس در ۱۷ نفر که در کودکی مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار گرفته بودند نشان داده شد که حجم این قسمت مغز ۱۲ درصد کوچکتر از انسانهای عادی بود.^{۲۰}

در یک مطالعه دیگر تغییرات مغزی افرادی که خشونت خانوادگی را تجربه کرده بودند و دچار بیماری اضطراب بعد از سانحه بودند پرداخته شد. این مطالعه نشان داد که حجم غشاء خاکستری مغز در قسمت جلو و پشت مغز^{۲۱} کاهش پیدا کرده بود.^{۲۲} این مطالعه نشان داد که تغییر حجم غشاء خاکستری مغز بر عملکرد مغزی بیمار تأثیر منفی گذاشته بود.

این مطالعات در واقع تأیید میکنند که مغز افرادی که دچار خشونت شده اند ممکن است از لحاظ ساختاری، هورمونی و عملکردی با مغز افرادی که تجربه خشونت نداشته اند، متفاوت باشد. وقتی افراد خشونت دیده به تجارب خود فکر میکنند و تصاویر خشونت را در ذهن خود مرور میکنند جریان خون در قسمتهایی از مغز که رفتارهای ما را کنترل میکنند کم میشود و حاصل آن رفتارهای نا هنجار و حالتهای عاطفی بیمار گونه میباشد.

مغز توان انطباق عجیبی دارد و از قدرت فوق العاده ای برخوردار است. یکی از مهمترین مشخصه های مغز قدرت انعطاف پذیری^{۲۳} آن است. متأسفانه وقتی مغز در محیط خشونت قرار میگیرد این انعطاف پذیری در جهت منفی خود را نشان میدهد. تکرار مکرر عمل خشونت باعث میشود که روابط عصبی مغز در یک چهارچوب خاص تغییر کند و مغز مسایل را تنها در چهارچوب آن خشونت تجربه شده ببیند. از این زاویه خانه و جامعه به هم مرتبط میشوند. انسانی که در خانه به خشونت عادت کرده است در جامعه هم تنها میتواند مسایل را در چهارچوب رابطه خشونت آمیز ببیند و درک کند.

مغزی که در یک محیط خشن قرار گرفته، در آن محیط خشن شکل گرفته به شکل انعکاسی با خشونت به مسایل مینگرد و در جامعه مبلغ خشونت میشود. در حالیکه مغزی که در محیط آرامش و محبت رشد کند به آن محیط عادت میکند و در جامعه هم مبلغ محبت میشود و علیه خشونت عمل میکند.

¹⁸ Bremner JD, et al. MRI based measurement of hippocampal volume in patients with combat-related posttraumatic stress disorder. Combat-related posttraumatic stress disorder. Am J Psychiatry 152: 973-981, 1995

¹⁹ Verbal memory

²⁰ Bremner JD, et al. Magnetic resonance imaging-based measurement of hippocampal volume in posttraumatic stress disorder related to childhood physical and sexual abuse: Biol Psychiatry 41:23-32,1997b

²¹ Frontal and Occipital gray matter

²² Fennema-Notestine C, et al. Brain morphometry in female victims of intimate partner violence with and without posttraumatic stress disorder. Biol Psychiatry, 2002 Dec 1;(11):1089-101

²³ Plasticity